

قلم در کف دشمن است !

آنچه بنظر میرسد و حق هم همین است فساد مطبوعات فقط و فقط از سه عامل مهم تولید میگردد که بطور فهرست ذیلا ذکر میشود :

۱ - آزادی قلم - که امان از همین آزادی لعنتی !

۲ - قلم بدست غیر اهل خود افتاده است .

۳ - عدم توجه اولیاء امور نسبت به مطبوعات و اجرا نکردن اصل بیستم از متمم

قانون اساسی

خواننده عزیز اگر این سه عامل در کار نبود آبادر يك چنین مملکت اسلامی روی مجله‌ها و روزنامه‌ها عوض درس‌های اخلاقی عکسهای زنان نیمه لخت و عریان چاپ میشد ؟ . بجای درس‌های علمی سرگذشت و نمایش فیلم فلان و فلان و یا مقالات شهوت انگیز درج مینمودند که جوانان پاک این مرز و بوم را برای همیشه بپرتگاه نیستی و سقوط اخلاقی بکشانند ؟ آیا اینها همه و هزارها جز این ، از عوامل فوق سرچشمه نمی‌گیرد ؟ آیا اگر سرپرستان فرهنگ و مطبوعات باین نکات توجه داشتند و بکک قانون مطبوعات متجاوزین و متخلفین را تعقیب و مجازات میکردند فساد از مطبوعات ریشه کن میشد ؟

آقای م - ج . هرندی

این دو سرچشمه فساد است

شکی نیست که مطبوعات در اجتماع کنونی مقام مهمی را خازن میباشد بطوریکه در کشور مارکن چهارم مشروطیت شناخته شده و از طرفی فساد آنها نیز بر کسی پوشیده نیست بنابراین بحث در علل آن بسیار بجا و مفید است مشروط باینکه اولیاء امور با استفاده از آماریکه در پایان بحث گرفته میشود در ریشه کن ساختن اسباب فساد کوشش کنند . برای اینکه بی‌علت فساد مطبوعات برده باشیم لازم است دو نکته را بخاطر بسپاریم :

اول اینکه روزنامه و مجله نگاری یکی از آثار تمدن اروپایی است و همراه جاد و جنجال مشروطیت بایران وارد شد. نکته دیگر اینکه: هر عاملی بهر اندازه اهمیت داشته باشد در افکار مردم تأثیر میکند و هر قدر مورد اعتماد باشد بهمان اندازه میتواند مردم را بخود متوجه سازد.

باتوجه باین دو موضوع نتیجه میگیریم که فساد مطبوعات نیز از اروپا و تقلیدهای کور کورانه پدید آمده زیرا روش روزنامه نگاری از اروپا گرفته شده و بیشتر خوانندگان آنرا نیز اروپا رفته ها تشکیل میدهند از طرفی میدانیم مسافرین ما که از اروپا دیدن میکردند متاع خوبی از آنجا برای میهن خود نیاوردند یا اروپائیان نیفر و ختنند؛ بنابراین، این آقایان مطبوعاتی را طالبند که در اروپا نظر آنها را جلب کرده است.

مدیران جراند هم که غالباً برای پول و کسب شهرت و بالا بردن تیراژ مجله خود بغیلبی کارها تن در میدهند، مطابق میل خوانندگان منحرف و طبق تقاضای ایشان مطالب را تهیه میکنند. پس میتوان گفت علت اصلی فساد مطبوعات دو چیز است:

۱ - تقلید کور کورانه از مطبوعات اروپایی.

۲ - وظیفه شناسی ناشرین آنها.

آقای سید جمال الدین دین پرور - ارقم

از دیو و دمه اولم و انسانم آرزوست!

ما نیکو بوم گردانندگان جراند و مطبوعات فاسد و مفسد بی تقصیرند؛ بلکه اگر آنها دارای شرافت و مردانگی بودند هرگز اقدام بدرج مقالات و عکسهای نابود کننده عفت عمومی و اخلاق همگانی نمیکردند اگر چه منجر بورشکستگی آنها بشود. ولی گناه بزرگ بعهده خود مردم است. چون میتوانند با اقدامی کوچک و بی صدا از این اعمال زشت جلوگیری کنند بدون اینکه کوچکترین عکس العملی بوجود آید و آن اینست: یا نخرند و یا طوری رفتار کنند که اصلاً آن مجله یا روزنامه چاپ نشود.

در یکی از کشورهای اروپا که مراسم مسیحیت کیش آنهاست وقتی مردم دیدند که نشریه ای ب مقام پاپ یا یکی از مقدسات مذهبی آنها توهین نموده فردا صبح با داوره آن جریده میرفتند و با کمال آدامش یکی از آنها را میخریدند و پاره میکردند تا افکار جوانان و دیگران آلوده نشود!

بدین ترتیب دیگر آن نشریه بچاپ نرسید.

ولی در کشور ما هر روز ورق پاره‌ای بنام مجله بقصدسات اجتماعی یا مذهبی اسانه
ادب نموده و مردم هم می‌خرند و می‌خوانند و کوچکترین تأثیری در روحیه آنها نمی‌کند که از
حریم روحانیت دفاع کنند .

گر مسلمانی همین است که حافظ دارد وای اگر از پس امروز بود فردایی!
از قم - شمس الدین جاهدی

دیلله طبیعی

تقصیر متوجه همه است !

عواملی که در فساد مطبوعات رل اساسی را ایفا می‌کنند سه چیز است :

۱ - تقلیدهای کور کورانه مطبوعات ما از مطبوعات خارجی ؛

۲ - خواسته‌های خود مردم ؛

۳ - کوتاهی قوه مجریه ؛

۱ - تقلیدهای کور کورانه مطبوعات ما از مطبوعات خارجی .

مطبوعات را می‌توان آئینه تمام‌نمای افکار ملت دانست ، و یا بعبارت ساده‌تر می‌توان
گفت مطبوعات منعکس کننده افکار مردمند ، مطالب بسیاری از مطبوعات فعلی ما که در
سراسر کشور انتشار می‌یابد جز یک مشت اسامی هنرپیشگان! خارجی و داخلی ، و پیامهای
ازدواج ، روابط قلبی ، و لباس عمل بقواسته‌های انحرافی نسل جوان پوشانیدن چیز
دیگری نیست !

جای بسی تأسف است که در کشوری مانند ایران که مرکز تشیع است اینهمه آلودگی
و بی‌عفتی در کلیه شؤن زندگی از جمله مطبوعات بچشم می‌خورد ، این خود نشانه‌ای است
از تقلیدهای بی‌رویه و کور کورانه مطبوعات ما از ملل متقدم اروپایی و مطبوعات خارجی ؛
اگر ما مردم از کلیه روش‌ها و سیستمهای علمی و تربیتی ! ملل اروپایی بدون استثنا تقلید و یا
متابقت می‌کردیم باز وضع ما از وضع کنونی خیلی بهتر بود ، چرا فقط باید از مظاهر خرافاتی
و بی‌عفتی مالک اروپایی تقلید کنیم ولی از مظاهر علم و هنر و صنعت دول اروپایی تقلید نکنیم ؟
در زمینه انحرافات اخلاقی دو شادوش ملل متقدم حرکت کنیم ولی در زمینه علم و هنر
هزاران سال از دول اروپایی عقب تر باشیم ؛ مطبوعات ما می‌خواهند با انتشار صور
نیه‌عربان و مقاله‌های مهیج و شهوت‌انگیز در مقابل مطبوعات خارجی اظهار وجود کنند
و مقاصد شوم خود را در لابلای صفحات و در میان سطوبیان کنند آنها را بالعم مشفقانه‌ای که

معمولا با «اشك تمساح لمآبانه» همراه است.

۴ - خواسته‌های خودمردم

دومین عامل فساد مطبوعات خواسته‌های خودمردم است. اگر زمانی نباشد که مطبوعات معاذر مطبوعات خارجی بی‌روی نکنند و خط سیرشان را عوض کنند آیا فساد مطبوعات بکلی ریشه کن می‌شود؟ پاسخ این سؤال تقریباً منفی است؛ زیرا انجمنی از مردم که فیلشان یا دهندوستان کرده است، و مرغ روحشان در هوای ممالک اروپائی پر میزند از مطبوعات فعلی ماهیان انتظار دارد که از مطبوعات خارجی؛ بنابراین نسل جوان و روشنفکر! خواستار مطبوعاتی هستند که در لابلای صفحات و سطور آنها مسائل جنسی و شهوی مانند کشور سوئد آزادانه مطرح گردد و بصورت مسائل ریاضی اگر در صفحات روزنامه نشد در کلاس‌های خصوصی درس داده شود (۱).

نسل جوان و روشنفکر ما طالب شرح حال و سرگذشت عده‌ای از ستارگان و هنرپیشگان سینمائی و بین‌المللی است؛ آری با چنین وضع اسف‌انگیز و بقت‌بار، مطبوعات برای بالا بردن تیراژهای خود هم که باشد تقریباً مجبورند؛ کم‌وبیش خواسته‌های نسل جوان را تأمین کنند.

بنابراین بجز آن میتوان گفت: خطر خواسته‌های خود مردم از خطر تقلیدهای کور کورانه مطبوعات ما از مطبوعات خارجی اگر بیشتر نباشد کمتر نیست!

کوتاهی قوهٔ مجریه

میگویند قانون اساسی بر کشور ما حکومت میکند. در بعضی از موارد اجرای قوانین اساسی با جملهٔ تاریخی «تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت» همراه است؛ یکی از این موارد قوانین مربوط به مطبوعات و نشر آنها است، يك ماده قانونی صریحاً اعلام میدارد:

« روزنامه ای که دارای مقالات مضر بعفت عمومی یا اشاعهٔ صور قبیحه بر ضد عفت عمومی باشد قبل از صدور رأی دادگاه میتواند آنرا توقیف کرد. » (۴) چرا باید روز بروز وضع مطبوعات ما وخیم تر گردد و وطنیان و انحطاط اخلاقی نسل جوان را در اوج قدرت خود نشان دهند پاسخ این سؤال روشن است: زیرا اجرای قوانین مربوطه تا اندازه‌ای؛ در این موارد بعد از تعویق و بدست فراموشی سپرده میشود و باز چشمهای تیزبین قانون!

(۱) اطلاعات جوانان شماره ۱۱۶

(۲) : مادهٔ ۳۸ دومین ماده از قانون جزائی مطبوعات)

سیرقانونی خود را عوض میکند و صحنه‌های موافق قانون را مشاهده میکند !

آری در کشوری که جرائم نقدی و جزائی مطبوعات با اندازه‌ای بی‌ارزش و ناچیز باشد که همه و همه بتوانند با پرداختن مبلغ ناچیزی از قید و بند توقیف ! رهایی یابند بدیهی است مطبوعات با وضعی که امروز مشاهده میکنیم روز بروز و بوخامت خواهد گرایید .

آقای عبدالله منطقیان - از خرم آباد

رکن چهارم مشروطیت و هم‌ردیفهای آن ۱

درباره مطبوعات مردم را نباید مقصر اصلی دانست چون تابع هوی و هوسند . و مدیران مطبوعات و سینما هم تقصیری ندارند چون بحکم غریزه فطری باید جلب نفع کنند ! پس تنها گناه بگردن هیئت حاکمه و زمامداران و مجریان قوانین است که در راه انجام وظیفه تصور روا میدارند .

لذا ناگزیر باید گفت از ارکان ثلاثه مشروطیت چه خیری دیده‌ایم تا از رکن چهارمش انتظار داشته باشیم ناچارم درباره سینما ، تأثیر ، تلویزیون ، روزنامه و مجلات مبتدل کمی قلم بردارم مدیران سودپرست آنها کرده و بگویم : صاحبان مغازه‌ها «برای فروش اجناس» خود را مجبور میکنند که نمونه کالاها را بشت و بترین جای دهند تا خریدار بیشتر تحریک گردد . شاید آقایان مدیران سینما ، تلویزیون و مجلات هوس باز ماهم امتعه‌ای دارند و با عرضه زنان لخت و عکسهای آنها میباید از این اصل کلی تبعیت کنند ، در اینصورت باید گفت که آنها کاسب و پول‌پرستند و رکن چهارم مشروطیت نیستند ، ماهم کاری با آنها نداریم .

وانگهی دردمان که تنها مطبوعات نیست - در اداره رادیو (جائیکه باید برای تهذیب اخلاق مردم بکوشد و بتعلیم آنان همت گمارد) سالن بزرگی ساخته شده که دختران و پسران ، مردان و زنان جوان در هم می‌لوئند ، با گویندگان کلمات مختلفی رد و بدل میکنند . اگر نظری در بین نیست بکروز از آقایان دعوت کنند و روزی گراز بانوان ناآقلا پای دزدان ناموس از این محیط قطع شود .

برای فساد اخلاق جوانان ما کفایت فقط از مجلاتیکه بشت و در و داخل و خارج آنها را عکس زنهای لخت تشکیل داده است استفاده کنند ، و نیز کفایت میکند که روزنامه - هائیم مطالعه کنند که بقول ظریفی حتی برای دوره قاعدگی زنان !! داد سخن میدهند و ستونها را سیاه میکنند .

تلویزیونی را ببینند که بجای تعلیم و تربیت صحیح زنانی را نمایش میدهد که فقط قسمت مختصری از بدنشان پوشیده است .

از طرفی در سینما « سینماییکه مدتی برای خرید بلیطش رنج کشیده شده بجای آنکه اخلاق نیکو کسب کنند» دیده ها و شنیده ها را تمرین کرده و در بیرون عمل میکنند ! (چون سینما بعبارت ساده فعلاً «جای عرضه و تقاضا» است)

بله جواب آنها اینستکه باید بخواسته های مردم اهمیت داد !

آخر مگر بتمام خواسته های مردم «همان مردمی که اخیراً تجلیل بیسابقه ای از مرده، یکزن هرجائی در مرکز نقل کشور مسلمان و شیعه نمودند» میتوان اهمیت داد؟! . . .
اگر چنین است چرا بستدعیات اکثر مردم درباره منع مسکرات توجهی نمیشود؟ پس تنها راه علاج اینست که اولیاء مملکت تصمیم اتخاذ کنند و از نیمه راه سقوط برگردند و رادیو و تلویزیون و سینما را کنترل کنند و جلوسوء استفاده تجار فیلم را سید نمایند.

آقای سید عبداللہ علوی

از بیرجند - سال پنجم ادبی

گر می بازار مطبوعات و فساد آن

بواسطه استقبال خوانندگان آنست

ادبیات آینه تمام نمای افکار و احساسات و مایه ترقی و تکامل هر ملت است . آثار جاوید بزرگان ، فلاسف و حکما ، باعث افتخار و شهرت يك کشور در برابر خارجیان است ، مطبوعات بازگو کننده دردها و تمویر تمام نمایی از میزان رشد و تکامل هر قوم و ملت است . امروز با کمال تأسف باید اذعان نمود که وضع اسف انگیز و نشر مطالب و داستانهای شهوت - انگیز و رپورتاژهای بی اهمیت و چاپ تصویرهای لغت و شرم آور باعث فروش مطبوعات و الهام دهنده جوانان مردم کشور ماست !

استقبال بی نظیر مردم و علاقه و میل شدید آنان بخواندن و دانستن شرح حال ستارگان هالیوود و هنرمندان معروف سینما ؛ و سود پرستی گردانندگان مطبوعات و دستهای مرموزی که جوانان و جامعه را بچنین مطالبی سرگرم میدارند عواملی است که مطبوعات و مجلات کشور ما را بچنین روزگاری کشانیده است .

آیا شرح حال زنان هرجائی و نشر داستانهای جنائی و گمراه کننده و مسموم کردن

افکار جوانان يك قوم گناه و جنایت نیست؟ آیا هنگامیکه یک اجتماع غرق در شهوت و بی خبری باشند بزودی معدوم و نابود نخواهند شد؟ تاریخ شاهد و گواه این حقیقت است، روزگاریکه فساد و تباهی شهوت و فحشاء در یک قوم بعد از رسیدن شکست و انهدام آن قوم مسلم و حتمی است.

بطوریکه میتوان گفت فقر نویسندگان از لحاظ معلومات، ضعف ایمان آنها؛ و سودپرستی و تقلیدهای نادرست، و استقبال مردم و خرید اینگونه ورق پاره های مسموم، بزرگترین عللی است که تاکنون باعث دوام انتشار اینگونه مجلات بی ارزش بوده است بخاطر دارم روزی در یکی از مجلات خواندم که خواننده ای از مسئولین آن مجله پرسیده بود چرا اینهمه داستانهای عشقی و عکسهای شرم آور چاپ و منتشر میگردد؟ آنها جواب داده بودند اگر ما بچاپ عکسهای دیگر غیر از تصویر ستارگان زیبای سینما مبادرت ورزیم بزودی بازار مجله ما کساد و بی خریدار میگردد! این گفته نشان میدهد که ملت و خوانندگان تشنه این گونه مطالب و گرم کننده بازار اینگونه مطبوعات فاسدند. بهر صورت بیایید بخاطر خدا و وجدان از انتشار اینگونه مطالب مبتذل دست کشیده بجای آن بانشر حقایق آموزنده و پرورش دهنده افکار جوانان، وظیفه مطبوعاتی خویش را بنحوا حسن انجام دهید.

آقای حسن اکبری - از تهران

خوانندگان و نویسندگان هر دو مقصرند

بزرگترین علتی که میتوان برای فساد مطبوعات پیدا کرد همان آزادی آنها است شما ملاحظه بفرمائید ناشرین جرائم و مجلات هر حادثه و واقعه ای که باعث رونق بازار آنها بشود با اینکه نشر آن ضرر و خلل زیادی در اجتماع وارد می آورد طبع میکنند بدون اینکه مورد سرزنش قرار بگیرند و علت ثانوی این مطلب طالب بودن مردم است لذا ما نمی - توانیم تمام جرم فساد مطبوعات را بگردن ناشرین آنها بیاندازیم زیرا اگر خواننده باین نوع مطالب بی رغبت بود در حله اول ناشر را مورد اعتراض قرار میداد و از طبع اینگونه مطالب خودداری میکرد اگر در مجله ای نکته ای درج شد و خواننده آن را با آغوش باز استقبال کرد؛ و منتظر طبع نظیر آن در هفته آینده شد این موضوع سبب تشویق نویسندگان در اینگونه مطالب خواهد شد. لذا بعقیده نگارنده: خوانندگان و نویسندگان مطبوعات فعلی هر دو مقصرند.

آقای حسن حاتمی - از رقم

فساد مطبوعات از سستی عقیده ناشرین آنها سرچشمه میگیرد

عقیده بخدا و بروز جزا افراد بشر را از لغزش و از کارهای خلاف عقل و خلاف عفت نگاه میدارد ، و فکر مردم را بالا میبرد ، آدم با ایمان معتقد است که خداوند مقصد او را در هر حال میداند .

و معلوم است صاحبان همچو عقیده هیچ وقت فریب دنیا را نمیخورند و بمنظور منافع شخصی ، حقوق و نوامیس اجتماع را لگد مال نمیکنند ، و بر ضد اخلاق و صلاح اجتماع اندیشه‌های نامشروع و پندارهای بی اساس در دل نمیپرورانند ، (نگارنده) پس از فکر و مطالعه زیاد معتقدم که علت اصلی فساد مطبوعات سست بودن همین عقیده است ، زیرا که مدیران و ناشرین جرأید کنونی کسانی هستند که اعتقادشان بخدا و به روز جزا سست است ، لذا از عواقب اعمال و از کیفر کرده‌های خویش بیخبرند ، ولیکن در برابر مادیات زانو بزمین میزنند ، و آخرین درجه تواضع و کوچکی را میکنند ؛ و علاقه فوق العاده‌ای به جمع آوری پول ابراز میدارند ؛ حتی کار آن نویسندگان بجائی کشیده شده است که میتوان گفت منظور آنها از اقدامات خود غیر از منافع مادی چیز دیگری نیست ؛ لذا برخلاف قانون شرع و قوانین دیگر منافع شخصی را مقدم بر منافع اجتماعی داشته ؛ و در مقابل منافع شخصی برای منافع اجتماعی و قرواحترام قائل نیستند ، و شاهد این مطلب وجدان بیدار کسانی است که با مجلات و جرأید کثیر الا انتشار سروکار دارند و هر روز صفحات پر از مقالات خلاف عفت و داستانهای شهوت انگیز و راهنمایهای جنسی بدختران و پسران را مطالعه میکنند ؛ و با چشم خود عکسهای نیمه عریان و لخت زنان را میبینند ، و اصولاً معرفی ملکه‌های زیبا و زنان آلوده را بهترین وسیله ارتزاق میدانند ؛ غافل از اینکه زیر بار سنگینی رفته و وظیفه مهمی را بدوش گرفته اند و بطور قطع و مسلم با این روش نمیتوانند این بار سنگین را بر منزل مقصود برسانند . پیدایش مطبوعات برای ارتزاق و جمع آوری پول نیست که نویسندگان سود طلب و پول پرست صحنه اجتماع را جولانگاه خود قرار بدهند و برای نیل بمنظور خود به هر وسیله ضد اخلاقی و منافی با مصالح اجتماعی متوسل بشوند ، مطبوعات برای تربیت و تکامل افکار ، برای بیدار کردن احساسات خفته مردم و هدایت اجتماع بوجود آمده است ، امامت آسفانه نوع مطبوعات فعلی درست در نقطه مقابل این هدف قدم برمیدارند ، و بدبختانه بیشتر مردم نیز این گونه نشریات آلوده را میخوانند و در عوض از نشریات دینی ترویج نمیکنند ؛ در حالیکه مبارزه با این قبیل مطبوعات ، و نشر و ترویج مطبوعات دینی لازم و ضروری و وظیفه فرد فرد مسلمانان است .

از : س . ه . نائیر

حاله‌العمل :

فساد حکومتها . . .

فساد و انحطاط مطبوعات ایران . مسئله‌ای نیست که شما از آن اطلاع نداشته باشید و روزی تنها یک شماره از این رنگین نامه‌های مبتذل و افتضاح آمیز ، علاوه بر اینکه طرز فکر و هدف ناشرین آنها را روشن میکند ؛ بهمانابت میکند که این فساد و انحطاط مطبوعات ایران ؛ یکی از عوامل اساسی فساد اخلاق عمومی و بی بندوباری جوانان کشور گل و بلبل است ؛ زیرا چنانکه میدانیم در دنیای کنونی ، عده زیادی از مردم هستند که بدبختانه موجودیت فکری و علمی ؛ خود را از مطبوعات کفافی اخذ میکنند و در واقع مطبوعات جاوی هر نکته آموزنده‌ای که باشند همان را خواهند آموخت و طبق همان «تعلیمات» عمل خواهند نمود . طبق اظهار یک مقام مسئول در تهران ، « مطبوعات و مخصوصاً مجله‌ها در ایران فاسدترین و لجن‌ترین نوع مطبوعات در جهان هستند و جز آلوده کردن افکار مردم هدف و نتیجه‌ای ندارند» این اعتراف است که یک مقام با اصطلاح مسئول میکند ، ولی «مجله روشنفکر» ؛ در شماره (۲۹۵) در مقام جوابگویی آمده و شرحی از روزنامه «فرانس دیمانش» فرانسوی نقل کرده که : «یکی از روان‌پزشکان مشهور ؛ آمریکا اعلام داشته است که خانمها برای لاغر شدن بدنبال هیچ‌متدورژی می نروند فقط یک معشوق انتخاب کنند» . . .

روشنفکر با نقل این خبر چندش آور میگوید : چون روزنامه فرانس دیمانش چنان نوشته ماهم « چنین » ؛ خواهیم نوشت و لجن‌ترین مطبوعات در وهله اول مطبوعات فرانسه است نه ایران !!! . و البته منطبق «تقلید» از «اروپا» بهتر از این نخواهد بود ، و لابد کسانی که افتضاحات دیگری بار می‌آورند ، معتقدند که چون در فرانسه و آمریکا رسوائی بعد کمال رسیده است ، ماهم باید بکنیم ؛ و میگویند چون در فرانسه افتضاحی مانند « بال گل سرخ» بوقوع پیوسته در ایران هم خیانت بناموس مردم و تجاوز بزن دیگران جرمی نیست ...

حالا میدانید اینهمه رسوائی و افتضاح مطبوعات برای چیست ؛ ؛ فقط برای آنکه تیراژ آنها بالا برود و مدیران آنها بیشتر پول بچیب‌بزنند اشتباه نشود ما در گفته خود «تعصب» نیورژیم ، برای شما از آخرین شماره مجله «خواندنیها» شاهدمیآوردیم تا باور کنید که گند مطبوعات خیلی بالا آمده است ؛

خواندنیها در شماره ۲۹ سال ۲۱ مورخه سه شنبه ۱۷ مرداد ماه ص ۳ > خبرچندش آوری» را از نشریات «همکاران خود» نقل کرده و سپس مینویسد :

« . . دیوانه بیرحم و جاهل احق همه جا پیدا میشود و از این کارها در همه جای دنیا کم و بیش انجام میشود ، ولی دیگر آنرا با آب و تاب و عکس و تفصیلات و این وضع چندش آور در روزنامه های کثیرالانتشار برخ مردم نمیکشند .

آنچه مرا رنج میدهد عمل بعضی از همکاران در انتشار این قبیل وقایع و اخبار و پرتازهای جنائی و شهوی و حیوانی است و بس .

این چه تباهی است که ماهه ریان اجتماع را افراشته ؟ چرا متوجه قبح افعال خود و زیردستان و عکس العمل آن در اذهان مردم نیستیم ؟

خبر تجاوز بدختر ۶ ساله و همخواه بگی پدر ۷۰ ساله و جزئیات جنایات پسر نسبت بپدر و هزار زهر مار دیگر کم است که این قبیل اخبار را هم بآن اضافه میکنید ؟ مگر خوار بار و دارو و غذای جسمی تقلبی و مسموم کننده کم است که شما میخواهید غذای روح مردم را هم مسموم نمایید ؟

ای مرده شوی آن زهر ماری را ببرد که بنام نان در آوردن از این راه از گلولی کسی پائین برود ، انتشار این قبیل اخبار که شاهکار دیوانگان خارج از دارالبعین است چه دردی از اجتماع ما را دوامیکند ؟ ... نمیدانم آنهاییکه بار بدنامی و مسئولیت سانسور مطبوعات را بردوش میکشند . چرا انتشار این اخبار مضره را ندیده میگیرند ؟ مگر اینکه معتقد باشیم آنها هم در نقشه کلی و عمومی تخریب اخلاق مردم بادشمنان ملک و ملت همداستانی دارند . « .

آقای جلال آل احمد نویسنده معروف هم که خود وارد «فقود» است در تعریف این مطبوعات تحت عنوان «مطبوعات و رشکسته» در یکی از مجلات ماهانه تهران چنین مینویسد : (دقت کنید) .

« . . عذر میخواهم - اما باید گفت که اغلب مجلات هفتگی مادرست بفواحش دوره گرد میمانند که هفت قلم آراسته کنار خیابانها پرسه میزنند . يك شكلك زيادوی انبانی از کثافت و زشتی و ناهنجاری و بیماری . . .

باین صورت است که خواننده عادی مطبوعات فارسی دارد بهمان دردی دچار میشود که آمریکا از آن بفریاد در آمده است یعنی سادیسم و آنوقت همین «رنگین نامه ها» تعجب میکنند که چرا نباید بعنوان رکن چهارم مشروطیت ! بآنها نگرست . . مگر

از این نوع مطبوعات چه توقعی هست؟ مردم پولی میدهند که عکس لغتی بخرند و بعد فالی بگیرند و بختی بیازمایند و بعد آقا بالاخانی یافته‌گر شهر آشوبی! که چگونه پرده ناموش... تارسمهای هرزگی و ژیکولو مآبی را ازاو بیاموزند...

واکنون مائیم و این «رنگین نامه‌ها» تحریک کننده حیوانی ترین غرائز و خالی ازحق و شورش... ملاک مطبوعات در این دوران که ما میگذرانیم فقط و فقط افزایش تعداد انتشار است و از چه راه؟ از راه فشار آوردن بر نقاط ضعف خوانندگان، و چه باشند این نقاط ضعف؟ فقط نادانی و واخوردگی؛ پس نادانی آنها را باطلسمات و اسطرلاب و «پیشگوئیا» قانع کنیم و واخوردگی هایشانرا بضرب سینه‌های بازرانانی که افتضاح و گند وجودشان هوای هولیوود رانیز آلوده است...

با این تعریف دیگر احتیاجی بتعریف دیگر از این مطبوعات ورشکسته نیست، و گفتیم که علت این فساد، که موجب فساد و تباهی ملتی شده است فقط برای آنست که مدیران آنها پولی بچیب بزنند و پشت فرمان اتومبیل‌های سال بسال نوشونده نشسته و در شهر بگردند و شب نشینی‌ها بروند...

حالا میدانید علة العلل این فساد و لجام کسبختگی چیست؟ فقط اینکه حکومت‌ها جلو گیری نمیکنند، چرا جلو گیری نمیکنند؟ برای اینکه خود فاسدند...

سخن بدر ازا کشید؛ مطلب درباره مطبوعات و فساد آنها و علة العلل این فساد خجیلی بیش از اینهاست و این مائیم که بایستی قدم‌های مثبتی برداریم و مردمی را که عادت بمطالعه مجله و روزنامه کرده‌اند با نشر روزنامه‌ها و مجلات اسلامی؛ بسبک روز، با عکس و تفصیلات؛ از مطالعه مطبوعات مبتذل و افتضاح آمیز ضد اسلامی بازداریم و آنها را با مطبوعات صحیح و منطقی آشنا سازیم و این وظیفه من و شماست که در نشر و توزیع این مطبوعات بکوشیم...



توضیح: نظریه تراکم نظرات خوانندگان مادر باره فساد مطبوعات مجبور شدیم که از این شماره، تا آنجا که مقدور است، از آنها درج، کنیم، و امیدواریم بدینوسیله رضایت خاطر خوانندگان محترم را - که اغلب میخواهند نظرات آنان هم درج شود - تأمین نمائیم.